



محفل شب شعر و خاطره‌گویی «در لباس سربازی» در سالگرد ترور معظم رهبری برگزار شد

ضرورت بازخوانی رشادت‌های رهبری در دوران دفاع مقدس

فرهنگی

محفل شب شعر و خاطره‌گویی «در لباس سربازی» در سالگرد ترور مقام معظم رهبری برگزار شد؛ این مراسم با خاطره‌گویی جمعی از مسئولان، محافظان و کادر درمان وقت و البته شعرخوانی شاعران انقلابی همراه بود.

نمایش اسناد و تصاویری جالب درباره رهبری

این روزها باغ‌موزه دفاع مقدس میزبان نمایشگاهی با عنوان «در لباس سربازی» است؛ نمایشگاهی که در آن کوشیده‌اند تا گوشه‌ای از «اسناد و خاطرات ناشنیده یا کمتر شنیده شده رهبر معظم انقلاب از دفاع مقدس» را بازگو کنند. این محفل ادبی نیز شامگاه دوشنبه به همین بهانه و با نگاهی به ترور نافرجام آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در مسجد ایوبز تهران برگزار شد.

شروع برنامه با سخنرانی کوتاهی از سعید حدادیان، مداح و شاعر همراه شد؛ او طی سخنانی به جایگاه حضرت علی (ع) نزد پیامبر اکرم (ص) اشاره کرد و گفت: «درباره تروری که ششم تیرماه سال ۱۳۶۰ برای مقام معظم رهبری رخ داده باید تأسف خورد، چرا که ایشان حتی در دوران ستم‌شاهی، هر وقت به بازداشتگاه‌های ارتش فرستاده می‌شد هم دنبال یادگیری بودند. شاید اگر تجربه‌هایی که ایشان پیش از انقلاب کسب کردند نبود، بسیاری از داشته‌های امروزان را از دست می‌دادیم. ای کاش این نمایشگاه اشاره‌ای هم به مبارزات ایشان در دوره پهلوی داشت.»

حدادیان در بخش دیگری از گفته‌های خود به اهمیت مانورهای شخصی مقام معظم رهبری در دوران جنگ اشاره کرد و خطاب به اهالی فرهنگ و هنر از این گفت که نیازمند بازخوانی رشادت‌های ایشان هستیم. این نمایشگاه با تصاویری از اسناد و حتی دست‌نوشته‌های رهبری همراه شده؛ از مطالبی که بیاتگر نکات جالبی پیرامون سفر مقام معظم رهبری در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب به هندوستان است تا تصویری از نامه ایشان به بنی صدر درباره اینکه چرا جلسات شورای عالی دفاع را تشکیل نمی‌دهد! از نکات قابل توجه دیگر می‌توان به نمایش لباس نظامی آیت‌الله خامنه‌ای و اسلحه ایشان در دوران دفاع مقدس اشاره کرد.

همان‌طور که از عنوان این محفل هم برمی‌آید؛ شاعران حاضر در این مراسم با سروده‌های خود درباره مقام معظم رهبری درمیان آمده

و حتی با آن آشنایی نداشتیم، دریم، حتی دکترها هم قطع امید کرده بودند اما در نهایت ایشان زنده ماندند تا همچنان از وجودشان بهره‌مند شویم.»

یکی از نویسندگان نمایش، شاعر و منتقد ادبی یکی دیگر از سخنرانان این مراسم بود که گفته‌های خود مقدم بر سخن‌های دیگر است. او گفت: «سال‌ها بود که رهبری دیداری با شاعران شهدی داشتند؛ در آن جمع ایشان غزلی



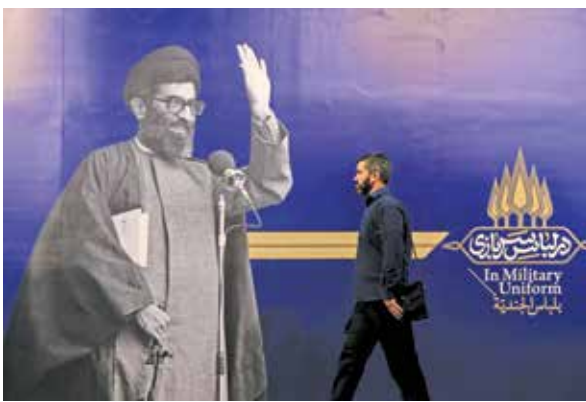
کار دشواری است

وی ادامه داد: «شما احتمالاً تصویری از روز ترور مقام معظم رهبری دیده و درباره‌اش خوانده‌اید، اما برای من صحبت درباره آن روز واقعاً دشوار است. تنها چیزی که درباره آن روز می‌توانم بگویم این است که همه ما یک درس بزرگ گرفتیم، اینکه رهبری باید زنده می‌ماند. وگرنه همه‌مان کسین و سمال بودیم؛ شاید نهایتاً بیست تا بیست و یکی دو ساله آموزش خاصی هم ندیده بودیم، خودجوش و از سز علاقه‌مان در آن جمع حضور داشتیم. به هر سختی‌ای که بود رهبری را به بیمارستانی که

عاشقانه نیست، این سردرگمی حتی دامن فهم مخاطب از جنسیت شخصیت اصلی را هم می‌گیرد و «سیماء» در حالی که از ابتدا تا انتهای نمایش در حال شرح داستان‌های علاقه‌مندی‌هایش به کیس‌های متعدد خانمی است که با آنها رویه‌رو شده و به هر کدام یک کد عددی اختصاص داده است، در عین حال سوژه عشق خواننده مردی است که در کافه تنها در شرح عشق بی‌سرانجام خود به «سیماء» می‌خواند.

سردرگمی نمایش، از داستانی برای طرح مسائل اجتماعی مانند فقر و کولیبری و ماشین خوابی آغاز می‌شود، در عاشقانه غریب‌مغول آن سرریزی می‌کند اما حتی دامن قالب اجرای نمایش را هم می‌گیرد. در تمام طول اجرای «۵۷»، برخلاف نمایش «عاشقانه‌های خیابان» که هم از تعاملی بودن نمایش استفاده هدفمند در مسیر روایت صورت می‌داد و هم اجرای زنده موسیقی و آواز، در ماجرای آن نسبتاً هضم شده بود، با نمایشی سرور کار داریم که تعاملی بودن برای آن، امری دکوراتیو و بیرون از روایت محسوب و گاه حتی با وجود قدرت اجرای بازیگر اصلی، از کنترل خارج می‌شود.

دو اجرای ابتدایی و انتهایی امیر عظیمی، چیزی بیشتر از یک تیتراژ نیستند و برش‌هایی که حمیدرضا تراشوند در طول نمایش با آواز ایجاد می‌کند، از او شخصیت مکملی برای شخصیت اصلی نمی‌سازند. هرگز متوجه نمی‌شویم او چرا باید عاشق چنین سوژه‌ای باشد و چرا عشق او تا این اندازه بی‌سرانجام است و البته اینکه عاشقانه‌ها با بازیگر و اساساً عاشقانه‌ای سوزناک از اثرگذار



نعیم احمدی / ایران

نامه مطلع می‌شود تشکر می‌کند و در آن روز وضعیت رهبری را بررسی کنید می‌کند که جای نگرانی نیست. تصویری از این نامه در مراسم مذکور رونمایی شد، نامه‌ای که به شکلی شخصی و فارغ از هرگونه هیاهو و اطلاع‌رسانی ارسال می‌شود. محمود خسروی‌وقا، سرزنیم سابق حفاظت رهبری هم با اشاره به اینکه نمی‌داند از آنبوه خاطراتی که از ماجرای مسجد ایوبز به یاد دارد کدام را برای حاضران بگوید، گفت: «روایت حادثه ششم تیرماه به نقل

از محفظان و همچنین پزشکی که همان موقع دفتر ریاست جمهوری هم تأکید می‌کند که جای نگرانی نیست. تصویری از این نامه در مراسم مذکور رونمایی شد، نامه‌ای که به شکلی شخصی و فارغ از هرگونه هیاهو و اطلاع‌رسانی ارسال می‌شود.

عاشقانه نیست، این سردرگمی حتی دامن فهم مخاطب از جنسیت شخصیت اصلی را هم می‌گیرد و «سیماء» در حالی که از ابتدا تا انتهای نمایش در حال شرح داستان‌های علاقه‌مندی‌هایش به کیس‌های متعدد خانمی است که با آنها رویه‌رو شده و به هر کدام یک کد عددی اختصاص داده است، در عین حال سوژه عشق خواننده مردی است که در کافه تنها در شرح عشق بی‌سرانجام خود به «سیماء» می‌خواند. سردرگمی نمایش، از داستانی برای طرح مسائل اجتماعی مانند فقر و کولیبری و ماشین خوابی آغاز می‌شود، در عاشقانه غریب‌مغول آن سرریزی می‌کند اما حتی دامن قالب اجرای نمایش را هم می‌گیرد. در تمام طول اجرای «۵۷»، برخلاف نمایش «عاشقانه‌های خیابان» که هم از تعاملی بودن نمایش استفاده هدفمند در مسیر روایت صورت می‌داد و هم اجرای زنده موسیقی و آواز، در ماجرای آن نسبتاً هضم شده بود، با نمایشی سرور کار داریم که تعاملی بودن برای آن، امری دکوراتیو و بیرون از روایت محسوب و گاه حتی با وجود قدرت اجرای بازیگر اصلی، از کنترل خارج می‌شود.

عاشقانه نیست، این سردرگمی حتی دامن فهم مخاطب از جنسیت شخصیت اصلی را هم می‌گیرد و «سیماء» در حالی که از ابتدا تا انتهای نمایش در حال شرح داستان‌های علاقه‌مندی‌هایش به کیس‌های متعدد خانمی است که با آنها رویه‌رو شده و به هر کدام یک کد عددی اختصاص داده است، در عین حال سوژه عشق خواننده مردی است که در کافه تنها در شرح عشق بی‌سرانجام خود به «سیماء» می‌خواند. سردرگمی نمایش، از داستانی برای طرح مسائل اجتماعی مانند فقر و کولیبری و ماشین خوابی آغاز می‌شود، در عاشقانه غریب‌مغول آن سرریزی می‌کند اما حتی دامن قالب اجرای نمایش را هم می‌گیرد. در تمام طول اجرای «۵۷»، برخلاف نمایش «عاشقانه‌های خیابان» که هم از تعاملی بودن نمایش استفاده هدفمند در مسیر روایت صورت می‌داد و هم اجرای زنده موسیقی و آواز، در ماجرای آن نسبتاً هضم شده بود، با نمایشی سرور کار داریم که تعاملی بودن برای آن، امری دکوراتیو و بیرون از روایت محسوب و گاه حتی با وجود قدرت اجرای بازیگر اصلی، از کنترل خارج می‌شود.

گزارش



نکوداشت ۴ دهه فعالیت قرآنی حجت‌الاسلام قرآنی برگزار شد

مردم دوست دارند ما مثل خودشان باشیم

برنامه‌های تلویزیونی که عمر آن به چهار دهه آن هم به صورت مستمر و هفتگی با مخاطبان انبوه برسد، دیگر تنها نمی‌تواند یک برنامه تلویزیونی عادی در ردیف سایرین محسوب شود. «درس‌هایی از قرآن» یک گنجینه فرهنگی برگرفته از فرهنگی ایرانی-اسلامی و نفوذ کرده در عمق توده‌های مخاطب تلویزیون ایران است که بی‌تردید الگوهای آن در جلب تماشاگران رسانه ملی، موضوعی قابل مطالعه برای برنامه‌سازان همه‌آدوار تلویزیون خواهد بود. بر این اساس، سومین نشست افق تحول رسانه ملی، دیروز میزبان آیین نکوداشت حجت‌الاسلام محسن قرآنی بود تا تقدیری از یکی از دیرپاترین و پر مخاطب‌ترین برنامه‌های تلویزیون به عمل آید.

در ابتدای جلسه پیمان جبلی رئیس صداوسیما برای عرض خیرمقدم پشت تریبون قرار گرفت و در یک جمله کوتاه اعلام کرد مقرریم امروز نکوداشت حجت‌الاسلام قرآنی را برگزار می‌کنیم اما این نکته را هم بدانید یکی از رهنوم موفقیت «درس‌هایی از قرآن» حجت‌الاسلام متوسل است که سال‌های سال در کنار استاد حضور داشتند.

پس از آن حجت‌الاسلام قرآنی که این روزها درد و رنج بیماری را هم تحمل می‌کند روی یک صندلی در جایگاه نشست و مثل همیشه تابلوی درس‌هایی از قرآن هم در پشت سر او به عنوان دکور اصلی برنامه قرار گرفت. او در ابتدای صحبت‌های خود به این نکته اشاره کرد: «از خداوند متعال، انبیا، اولیا، مراجع، علما و شهدا تشکر کنیم؛ پدر و مادر، همسر و هر کسی که ما را کمک کرده و در جهت دینمداری و سبک زندگی ایرانی-اسلامی قرار داده است. اگر جایز اینها ضعف‌ها و نقص‌هایی را می‌گفتم تا این تجلیل‌ها تنظیم شود. این تنظیم مهم است. چرا که به فرموده بزرگان، وقتی بین مردم درجات‌مان یا لای می‌رود باید تواضع‌مان هم بیشتر شود.» به گزارش تسنیم، او به ویژگی‌هایی اشاره کرد که در طول سال‌های فعالیتش به آن توجه داشته و گفت: «نکاتی را اینجا مطرح می‌کنم شاید برای استادیان دانشگاه، طلبه‌ها و منبری‌ها رهنوم موفقیت باشد؛ هیچ وقت در طول عمرم طی نکردم چقدر من به‌دیده و هرچه قدر داند قبول کردم و نداندن خوددهای نگرتم؛ پول برای من سرنوشت‌ساز نیست، چقدر واقعاً برای زکات، فیلیم، شعر و کتاب نوشته شده؛ واقعاً این نکات در عرصه کارهای فرهنگی ما فراموش شده و حتی بعضاً نادیده‌ایم این نکات در خطبه‌های نمازجمعه هم پرزنگ باشد.»

حجت‌الاسلام قرآنی خاطرنشان کرد: «در جمع مدیران فرهنگی و رؤسای صداوسیما صحبت می‌کنم؛ ما باید خاک آموزش و پرورش و دانشگاه‌هایمان را تغییر دهیم. علمی مفید است بخوانند و علمی که سرگرمی است نخوانند. کاری بکنیم این مدارک تحصیلی (دبلیوم، لیسانس... : مهارت‌آفرین باشد نه اینکه مدارک مان هیچ کاربردی برای افراد نداشته باشد. بارها شنیده‌ام دیده‌ام برخی روحانیون ما که می‌گویند در دانشگاه اصول و عقاید درس بدهند یا تبلیغ بروند نه روانشناسی تبلیغ می‌دانند و نه روانشناسی آموزش! مهارت را بیاموزند. حتی این مهارت در عرصه تبلیغ و عرصه فرهنگ باشد. چرا که در قرآن کریم داریم اگر ترسو هستی نروید چون مبلغ نباید ترسو باشد.»

او به ساخت برنامه یا فضای ساده و بی‌آلایش اشاره کرد: «من همیشه طرفدار صحبت‌های ساده و رفتارهای ساده و بی‌آلایشم. با مردم باید با صداقت و شفافیت و ساده رفتار کرد. مردم دوست دارند ما مثل خودشان باشیم در برنامه‌سازی؛ خیلی از برنامه‌ها را می‌توان ساده گفت و ساخت. بحث‌ها را می‌توان ساده مطرح کرد. من در ابتدا برنامه‌ها در تلویزیون یک ساعت بود بعدا شد ۵۰ دقیقه والان ۲۷ دقیقه؛ مردم حوصله‌شان به طول و تفسیر نمی‌رسد. من وقتی به تلویزیون رستم با خودم گفتم یک شبه به همه مردم ایران خیلی حرف‌ها را می‌زنم که فهمیدم اشتباه کرده‌ام. تبلیغ تلویزیونی بخشی از کار است و تبلیغ چهره به چهره و تن به تن اهمیت دارد. قرآن کریم مملو از قصه‌های قرآنی است؛ این قصه‌ها را دریابید. در رادیو شاهدش هستیم و فکر نکنید اگر مدیر فرهنگی هستید به این مفاهیم نیاز ندارید.» در پایان از ۴۴ سال فعالیت مجاهدانه حجت‌الاسلام قرآنی در رسانه ملی تقدیر و هدیه‌ای هم به همسر این استاد اهدا شد.

بازگشت همه به سوی اوست

تستیدیم و ندیدیم که کسی جز سخن نیک از او یاد کند...

با نیابت تأثر و تأسف با قلبی مملو از غم و اندوه، در گذشت پدر ارجمند و عزیزمان شادروان مرحوم جناب آقای دکتر شکرالله طریقتی

را با اطلاع عموم، بازماندگان، اقوام، دوستان و آشنایان می‌رسانیم.

پدر نازنین مان انسانی فرهیخته، با گذشت، مهربان و صادق بود.

ایشان پدر روانپزشکی نوین ایران، بنیان‌گذار مکتب روزه و استاد پیشکسوت روانپزشکی بودند. در مراسم تدفین و تشییع پیکر آن مرحوم روز پنج‌شنبه ۸ تیر ۱۴۰۲ ساعت ۱۱ صبح در آرامگاه ابدی آن زنده‌یاد، واقع در ضلع غربی امامزاده عبدالله شهرری، پشت بقعه متبرکه، در خیابان فدائیان اسلام، سمره را بر همین انجام می‌گردد.

در ضمن مراسم یادبود آن مرحوم در سالن کنفرانس بیمارستان روزه، روز یکشنبه ۱۴۰۲/۴/۱۱ بین ساعت ۱۱ صبح تا ۱۳ ظهر در آدرس کارگر جنوبی، پایین‌تر از چهارراه لشکر برپا خواهد شد. حضور مهمی شما سروران گرامی، باعث شادای و تسکین روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود. قبلاً از شرکت شما بزرگواران و همدردی شما عزیزان سپاسگزاریم.

فرزندآن: **دکتر محسن طریقتی** - مهربان طریقتی
خانواده‌های: **طریقتی - فروتن - رازی - لطیفی‌نژاد - میرسپاسی - شهیم - لاریجانی و عابدی**



نمایش «۵۷» از تکرار بی‌هدف آثار قبلی ضربه خورده است

سردرگم؛ از کولیبری و ماشین خوابی تا ابهام در جنسیت قهرمان

گزارش

فاطمه تراشوند

روزنامه‌نگار

کولیبری، ماشین خوابی، گورخوابی، کارتن خوابی و نظایر آنها به عنوان اشکال مختلف فقر و بیکاری از جمله مسائل اجتماعی بلندمدت بسیاری از کشورهای جهان کشور ما بوده است. موضوعی که نمایش «۵۷»، آخرین اثر شهرام گیل‌آبادی به نویسندگی محمد چرمشیریکه

این روزها روی صحنه تماشاخانه ایرانشهر است هم تلاش دارد خود را به عنوان محملی برای طرح این مسائل معرفی کند. گیل‌آبادی در نمایش «۵۷» هم مانند دو اثر قبلی‌اش «عاشقانه‌های خیابان» و «عاشقانه‌ها»، نمایشی تعاملی را تقریباً با همان گروه قبلی از نویسندگان و بازیگران و خوانندگان اجرای زنده روی صحنه برده و شاید همین اصرا بر اجرای دوباره در قالب قبلی باشد که عملاً نمایش را از محتوایی که داعیه آن را دارد، دور کرده است.